

حمله به دانشگاه یعنی دشمنی با علم و معرفت

روزی زر عجم را می فرستند تا انسان های بیگانه این مرز و بوم را یکه یکه تیر باران و قتل عام نمایند و با افتخار بگویند که از این کار خود لذت می برم، در ولسوالی گرشک ولایت هلمند کودک معصوم هشت ساله را به جرم اینکه پدرش افسر پولیس است، بیرحمانه به دار آویخته می آویزند، به روی اطفال و شاگردان مکتب تیزاب پاشیده و یا مسموم می سازند، درب مکاتب و مدارس را به روی شان بسته و حریق می نمایند، سربازان را که مصروف خدمت جهت فراهم آوری صلح و امنیت و حراست از کشور اند به شهادت میرسانند، مساجد و عبادتگاه های مسلمین با انفجار و انتحار استقبال میگردد، گروه خود کش ها انسان های بیگانه و حتی روزه به دهن را که نان آوران اولاد ها و فامیل های شان هستند به خاک و خون می کشانند و این بار در حوادث ۲۷ حمل، گروه انتحاری ها، مقر شورای ملی (خانه ملت) را در کابل و پوهنتون (مرکز علم و معرفت) را در پکتیا نشانه رفته و سبب شهادت ده ها هموطن ما گردیده اند، این کار کدام انسان است؟! بلی جواب واضح است. کار دشمنان ملت ما، این اجیران و مزدوران گماشته شده سازمانهای استخباراتی که از سه دهه بیشتر نان مردم ما را در خون تر نموده اند و روز آفتابی را، بالای شان، شام تاریک و همه مردم ما را در کنج و کنار میهن به سوگ و ماتم عزیزان شان نشانده اند و در رژیم چند روزه طالبان که از آن بوی وحشت دهشت و بربریت، بگیر و ببند و بکش به مشام میرسید و میدان تاخت و تاز تروریستان جهان گردیده بود، قدرت نمایی سازمانهای استخباراتی اجانب و عمال وابسته به آنها در آن زمان به اوج خود رسیده بود و در وضعیت فعلی و شرایط کنونی از زبان هر کس و نا کس آن (مولانا فضل الرحمن رهبر جمعیت العلمای پاکستان مبتکر مدارس انتحاری و انفجاری و پدر معنوی طالبان، قاضی حسین احمد رئیس پیشین حزب جماعت اسلامی پاکستان و حکیم الله محسود رهبر طالبان تولید شده در مدارس سازمان استخباراتی آی اس آی در اینجا و آنجا شنیده میشود که میگویند: (جهاد در پاکستان نه بلکه در افغانستان فرض است و یا بروید در افغانستان جهاد کنید) و بعضی فرماندهان بلند پایه طالبان که بادرک حقانیت به پروسه صلح پیوسته اند بار بار تکرار نموده اند و به صراحت اظهار داشته اند: که طالبان خارجی، خواهان حضور نیرو های بین المللی برای ادامه جنگ در افغانستان هستند و آنان هرگز نمی خواهند تا افغانستان و ساکنین آن به صلح پایدار دست یابند.

در این روز ها که بعد از یک وقفه عالی صلح مجدداً آغاز و رئیس آن تعیین و همزمان هیئات حزب اسلامی حکمتیار به ریاست غیرت بهیر غرض مذاکره با جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان وارد کابل گردید و امید ها گل کرد سازمان استخباراتی کشور همسایه خود را به دور از جریانات و در انزوا دید آتش حسادت شان شعله ور گردید و خواست نشان بدهد که بدون شرکت ما پروسه صلح در افغانستان به پیش نرود و طالبان نیز یک قدرتی اند و همچنان رسوایی خود را در مورد فرار دست کم چهارصد تن زندانیان از زندان بنو که در جمع زندانیان فراری، شخصی که میخواست جنرال پرویز مشرف را ترور نماید نیز شامل بود، ضعف خود را از نظر قلم رسانه ها، تحلیل گران سیاسی، آگاهان امور نظامی به دور نگهدارد، با اعزام چند تن از اتباع کشور خویش را با ملازمه انتحاری از مدارس ایجاد کرده خود برای کشتن مردم مظلوم و بیگناه ما در شهر کابل و بعضی ولایات پرداخت و با این عمل خود ثابت ساخت که دشمنان ملت افغانستان به خانه ملت و دشمنان علم و معرفت به دانشگاه حمله نموده، دشمنان مردم و علم ودانش اند.

از آنجائیکه نیروهای امنیتی ما حمله شان را برق آسا مهار نموده اند و نهاد های امنیتی ما در حال انتقال مسؤلیت های امنیتی کشور و خروج نیروهای ائتلاف از وطن خود هستیم جا دارد که جامعه جهانی با در نظر داشت این حقایق، از لحاظ مادی و معنوی این نیروها را مورد حمایت همه جانبه خویش قرار داده افغانستان را در نیرومند سازی ارتش ملی و سایر نهاد های امنیتی، یاری رسانند همچنان ثابت گردید که نیرو های امنیتی کشور با جانبازی هاو فدا کاری ها دسایس دشمنان ما را خنثی و از جان و مال ما حراست مینمایند لازم است در این عرصه با نهاد های امنیتی خویش همکاری نزدیک داشته یار و یاور شان باشیم.

پایان